

دو کوهه پیشرفت

«جزوه جهاد پیشرفت»



«جهاد پیشرفت»

براساس مجموعه گفت‌وگوها پیرامون چستی حرکت جهادی و نسبت آن با پیشرفت

تهیه و تنظیم: مرکز گفت‌وگوهای گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

مهر ماه ۱۴۰۱

دریچه

یکی از واجباتی که در دین مبین اسلام بر آن تأکید فراوان شده و حتی در قرآن بیش از نماز، امر به آن مورد تکرار قرار گرفته است، موضوع «جهاد» است. در قرآن کریم حدود ۲۰ مرتبه امر به جهاد آمده است و این در حالی است که امر به نماز کمتر از ۱۵ مرتبه تکرار شده است. «جاهدوا»، «جاهد»، «جاهدهم» و ... نمونه‌هایی از امر به جهاد است که خداوند در قرآن بیان فرموده است. در ارتباط با ریشه لغوی جهاد، آن را از «جهد» دانسته‌اند. جهد به معنای کوشش و تلاش است؛ در واقع به تلاش همراه با سختی جهاد گفته می‌شود. اگر بخواهیم در یک کلمه جهاد را معنا کنیم، به آن «مبارزه» می‌گوییم. در آموزه‌های دینی ما، جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس که آن هدف والا، راه خداست زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «جاهدوا فی سبیل الله»؛ جهاد باید در راه خدا باشد. پس جهد و کوششی را جهاد می‌گویند که برای یک هدف والا و مقدس باشد.^۱ بنابراین، اگرچه جهد به معنای تلاش و کوشش جدی است اما جهادی که در اسلام مطرح است، تلاش و کوشش جدی در برابر دشمن است.

در روایات نیز در باب جهاد در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ بَابُ الْمُجَاهِدِينَ يَمْضُونَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَالْمُجَاهِدُونَ مُتَقَلِّدُونَ سِيُوفَهُمْ وَالْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ وَالْمَلَائِكَةُ تَتَرَحَّبُّ»

بهشت دری دارد به نام «باب المجاهدین» که مجاهدان به سوی آن حرکت می‌کنند و در را در برابر خود باز می‌بینند، در حالی که شمشیرها را به کمر بسته‌اند، این، در حالی است که سایه مردم در موقف حساب ایستاده‌اند و در انتظار حساب‌اند، (اما مجاهدان بدون حساب به سوی بهشت می‌روند و در آستانه بهشت) فرشتگان به آنان تبریک می‌گویند.^۲

^۱ بیانات رهبری: ۱۳۸۳/۰۸/۲۰

^۲ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۱۸۹ - الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۵، ص ۲.

۱. مقدمه

حرکت کشور اسلامی ایران در مسیر پیشرفت به تلاش و مجاهدت در عرصه‌های گوناگون نیاز دارد و هر کس باید به سهم خود گامی در این مسیر دشوار بردارد. پیمودن این مسیر نیز به شناخت مسائل و مشکلات کشور و هم‌چنین روحیه و توان مضاعفی از کراهای روزمره و جاری نیاز دارد. امروز امروز قریب به دو دهه از شکل‌گیری حرکت‌های جهادی در کشور می‌گذرد و این حرکت علی‌رغم تمام فراز و فرودهای طی شده، تا بدان‌جا رشد کرده و قد کشیده است که می‌توان از آن رقم زدن اتفاقات و تحولات بیش‌تر، بزرگ‌تر و به دوش کشیدن بارهای سنگین‌تری را انتظار داشت. چنانکه مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از اعضای گروه‌های جهادی به این امر پرداخته و بیان داشتند:

«همین که از بیست سال پیش تا حالا از کارهای ساده آن‌چنانی رسیده‌اید به برنامه‌ریزی‌های کلان این‌چنینی، این را ادامه بدهید؛ همین طور پیش بروید و بگذارید ما یک مجموعه عظیمی از نسل انقلاب اسلامی را در کشورمان شاهد باشیم که از لحاظ سطح فهم مسائل مدیریتی و خدمت‌رسانی و ایجاد عدالت و قیام به قسط - که این‌ها در اسلام لازم است و جامعه اسلامی قیام به قسط لازم دارد - به جایی برسد که ذهن‌های معمولی بشر به آنجا نرسیده و باید از آن الگو بگیرند»^۱.

در این معنا، جهاد یعنی یک حرکت جوشیده از اعتقاد و باور قلبی و ایمان و به‌کارگیری توانایی‌ها. اگر ایمان و باور قلبی وجود دارد، این کار حد نهایی ندارد چون توانایی‌ها حد نهایی ندارد؛ لذا میدان وسیعی را در برمی‌گیرد و توانایی‌ها و استعداد‌های متنوعی را می‌تواند به کار گیرد تا آنجا که تمام مردم از اقشار و گروه‌های مختلف را به این میدان بکشاند. این جزوه به دنبال آن است که مبتنی بر نقشه راه پیشرفت، به نقش حرکت‌های جهادی در این امر بپردازد و ابعاد مختلف آن را از منظر آسیب‌شناسی و همچنین از منظر ظرفیت‌های نهفته در آن و تجربه طی شده تا به امروز بپردازد.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی (۱۳۹۸/۰۵/۱۰)

۲. فلسفه خدمات اجتماعی از منظر اسلام

قرآن کریم فلسفه خدمات اجتماعی و بسیاری از امور از جمله انفاق و احسان را در این امر می‌داند که دارایی‌ها و ثروت‌های یک ملت، به دست و در انحصار ثروتمندان قرار نگیرد. ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرد و اجرا کنید، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! این آیه از جمله آیاتی است که شهید صدر در باب انفاق و مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به آن استناد کرده‌اند و اساساً در بحث پیرامون حکومت اسلامی نیز از آن به عنوان اهداف حکومت اسلامی یاد می‌شود. اساساً این مسأله مهمی است که چگونه جریان قدرت و ثروت میان اغنیا در گردش نباشد. اگر جریان قدرت و ثروت در میان اغنیا تجمع پیدا کند، به صورت طبیعی بسیاری از مفاسد را با خود به همراه خواهد داشت؛ به صورت طبیعی فرهنگ اتراف^۲ در جامعه جاری می‌شود و تجمل و تبرج بر رفتار مردمان حاکم خواهد شد و جامعه به سمت طبقاتی شدن حرکت می‌کند. به همین یکی از مهم‌ترین مقاصد شریعت در حوزه انفاق و احسان و خدمات اجتماعی از منظر اسلام، جلوگیری از این است که ثروت‌های یک جامعه و دخل و تصرف در آن‌ها به دست اغنیا افتد. در این راستا، شهید صدر بیان می‌دارند که اگر مقاصد شریعت و فقه تحقق پیدا نکند و به آن عمل نشود، تنها پوسته‌ای از آن در جامعه باقی خواهد ماند؛ چنانکه اگر نماز نتواند جامعه را از حرکت به سمت فحشا و منکر نهی کند، از مقاصد شریعت دور شده است. این امر از دو جهت با حرکت‌های جهادی گره خورده است؛ اول اینکه به ضرورت شکل‌گیری حرکت جهادی در جامعه در راستای کئی لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ توجه دارد و دیگر اینکه معیاری است برای اینکه جریان‌های جهادی از مسیر حرکت خود خارج نشده و همواره به این امر توجه داشته باشند که توجه به مستضعفین در کار آن‌ها اصالت دارد.

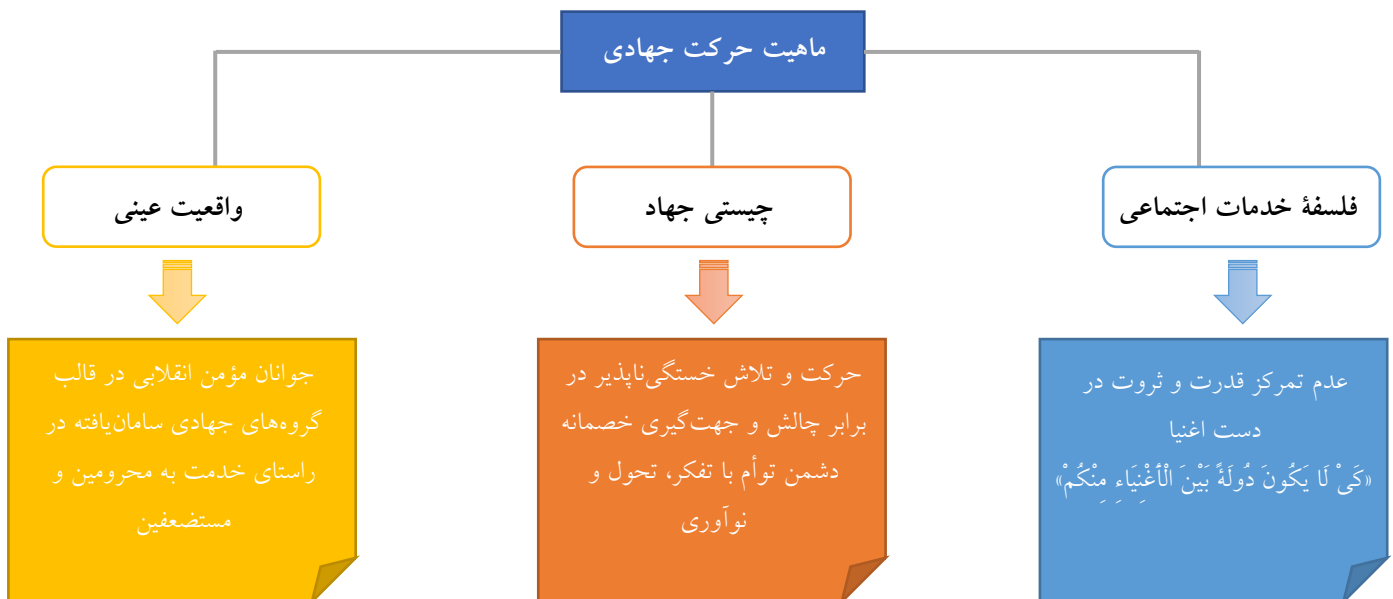
^۱ قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۷.

^۲ دو واژه «اتراف» و «مترف»، در کاربرد قرآنی، نزدیک به همان معنای لغوی است. مشتقات این واژه هشت‌بار در قرآن کریم به کار رفته و در همه آن‌ها نیز در مقام نکوهش است. قرآن کریم این کلمه را درباره کسانی به کار برده که بر اثر داشتن ثروت زیاد، در لذت‌ها و خوشگذرانی‌ها فرورفته و به جای شکرگذاری و استفاده صحیح از نعمت‌ها، راه سرکشی و ناسپاسی نعمت را پیشه کرده‌اند. قرآن کریم، مترفان را در صف اول مخالفان انبیاء قرار می‌دهد.

۳. چستی حرکت جهادی

بحث پیرامون حرکت جهادی را باید از نقطهٔ تدقیق مسئله و توصیف منظور و تصویرمان از حرکت جهادی شروع کنیم. در این بحث منظور ما از حرکت جهادی، طیفی متنوع از مدل‌های کنش مردمی در عرصه‌های مختلف است که با نیت و غرض کسب رضای الهی، خدمت به مستضعفین، پاسداری و تقویت نظام اسلامی و برآوردن نیازهای اضطراری کشور در برهه‌های زمانی خاص انجام می‌شود؛ بنابراین تعریف کنش‌گران حرکت‌های جهادی نیز گسترهٔ وسیعی از توده‌های مردم هستند که در دوره‌های زمانی مختلف و البته در جغرافیای پهناور کشورمان حاضر هستند و البته بارقه‌های امیدبخشی از این گروه‌های مردمی در کشورهای منطقه در سالیان اخیر تجلی یافته‌اند که گواهی بر صدور انقلاب اسلامی و حقانیت الگوی حرکت‌های جهادی در ماهیت حرکت‌های انقلابی هستند. البته باید به این نکته توجه داشت که هرچند بر مبنای تعریف جهاد و جهادی، هرکس در این پهنه حاضر و عامل شود، جهادی است لیکن از حیث اعتبار اجتماعی، طبقه‌ای خاص و البته پیشتاز در حرکت جهادی در میان جامعه شناخته شده‌اند و عبارت‌اند از جوانان مؤمن انقلابی که در قالب گروه‌های جهادی سامان یافته و عمدتاً با الگوی اردوهای جهادی شناخته می‌شوند. بنابراین در خصوص حرکت‌های جهادی ما با یک واقعیت عینی و یک پدیدهٔ اجتماعی مواجه هستیم.

شکل ۱- ماهیت حرکت جهادی



۴. تعیین‌یافتگی حرکت جهادی

۴-۱. دوره‌های تعیین‌یافتگی حرکت جهادی

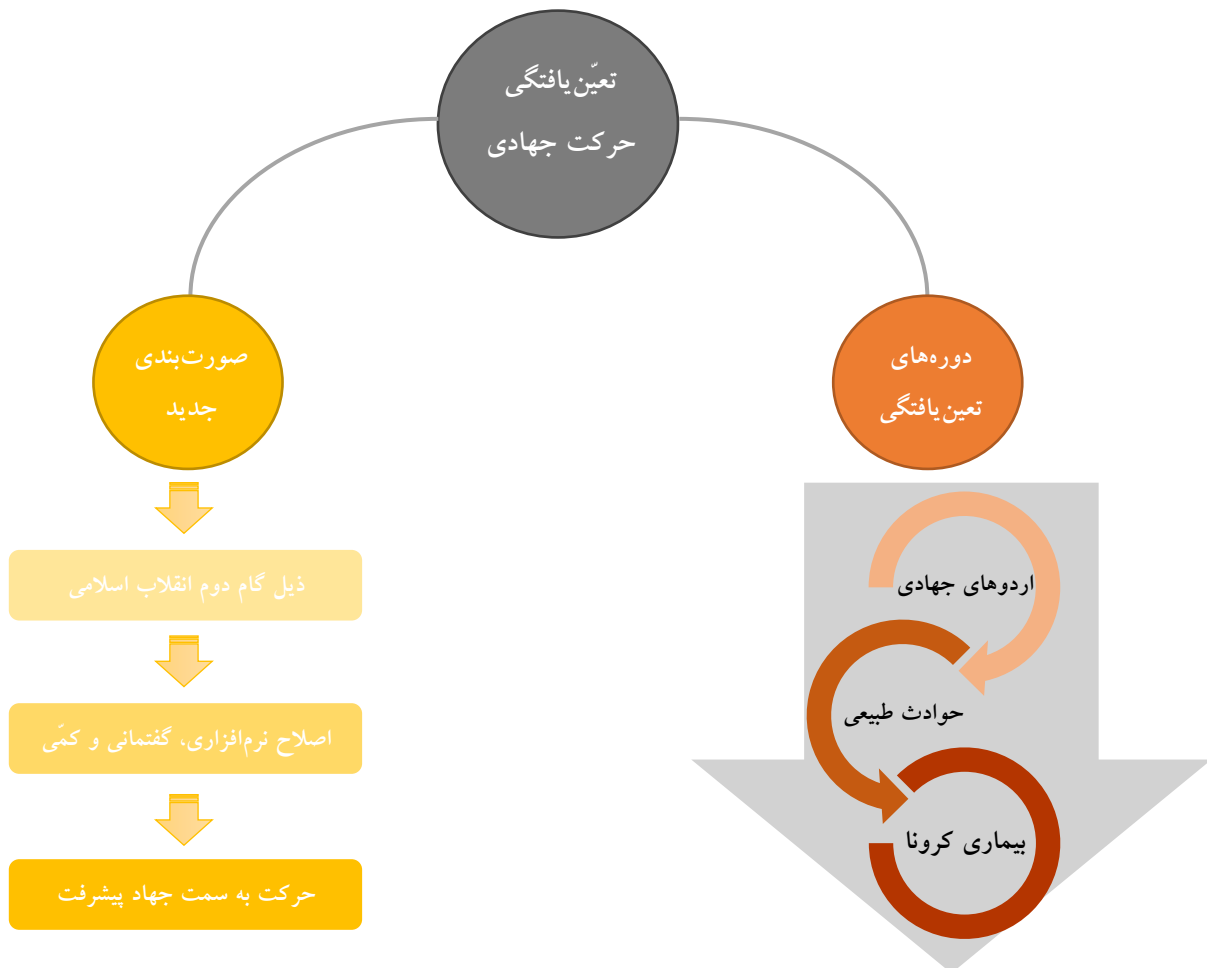
مابازای پیشبری گفتمانی حرکت‌های جهادی توسط امام خمینی و مقام معظم رهبری، امروز افرادی تربیت یافته‌اند که به آن‌ها «جهادی» می‌گویند. حرکت‌های جهادی تا به امروز سه دوره را طی کرده‌اند؛ دوره اول حرکت‌های جهادی ناظر به رفع محرومیت‌ها و کمک به مناطق محروم و مستضعف در جامعه شناخته می‌شد و حضور در مناطق محرومی همچون بشاگرد و راه افتادن اردوهای جهادی از مصادیق مهم این دوره است. دوره دوم حرکت‌های جهادی در مقابله با پدیده‌های بحرانی ظهور و بروز پیدا کرد و حضور نیروهای جهادی در مناطقی که دچار حوادثی چون سیل و زلزله شده بودند از نمونه‌های بارز آن است و از موارد اخیر آن می‌توان به زلزله کرمانشاه، سیل در استان‌های مختلف و شیوع بیماری کرونا در کشور اشاره کرد. دوره سوم که امروز حرکت‌های جهادی باید در آن توسعه پیدا کنند، تبدیل شدن آن‌ها به وضعیت همیشه پایدار تحت عنوان «جهاد پیشرفت» و ناظر به تمام عرصه‌ها برای رسیدن به وضعیت مطلوب در آن‌هاست و ذیل این وضعیت است که راهبری حرکت‌های جهادی توسط مقام معظم رهبری معنادار می‌شود. بنابراین، مبتنی بر دوره‌های اول و دوم که حرکت‌های جهادی طی کرده‌اند، امروز در جامعه به نحوی تعیین اجتماعی پیدا کرده‌اند؛ چنانچه پیش‌تر قالب‌هایی هویتی ذیل عناوین بسیجی و هیئتی، خیرین و ... ناظر به کارکرد اجتماعی آن‌ها معنادار بود، امروز نیز جامعه با افرادی مواجه است که به آن‌ها جهادی می‌گویند و دارای مرام و سلوک اجتماعی خاصی هستند و حرکت آن‌ها ناظر به افق تمدنی انقلاب اسلامی توسط رهبران انقلاب طراحی شده‌است. در واقع جهادی‌ها گروهی متمایز از انقلابی‌ها، بسیجی‌ها، خیرین و هیئتی‌ها نیستند، بلکه مجموع آن‌ها و افزون بر آن‌ها هستند که علاوه بر هیئتی بودن و بسیجی بودن، ورود آن‌ها به میدان جهاد در عرصه‌های مختلف و مسلک اجتماعی آن‌ها ناظر به حرکت جهادی، آن‌ها را براننده نام جهادی کرده است. نکته دیگر آنکه، جهادی‌ها صرفاً افراد هیئتی و بسیجی نیستند؛ بلکه دایره آن اوسع از این افراد است؛ هر فرد، از هر طبقه، با هر مذهب و تفکری که در راستای پیشرفت ایران، همت و توان خود را صرف این راه کند، مشمول دایره جهادی است.

۴-۲. صورت‌بندی جدید حرکت جهادی ذیل گام دوم انقلاب اسلامی

گام دوم در اندیشه مقام معظم رهبری، یک عصر و دوران جدید است. یعنی کتاب تاریخ ورق خورده و صفحه جدیدی باز شده است. لذا الگوی حرکت جهادی باید در نسبت با این گام دوم معنا شود. باید حرکت

جهادی امروز را با عینک مقام معظم رهبری و در افق تمدنی آسیب‌شناسی کرد. گام دوم انقلاب اسلامی، یعنی ما در یک فضای جدیدی قرار گرفته‌ایم که در آن باید بنحو دیگری نفس کشید، طور دیگر راه می‌رویم، طور دیگر فکر و کار کرده و در نتیجه «حرکت جهادی» را بازتعریف کرد. طرح حرکت جهادی امروز دارای تعیینی است که همراه است با مفاهیم و مصادیقی چون اردوهای جهادی و مناطق محروم، حضور در مناطق سیل‌زده و زلزله‌آمده، حضور در بیمارستان‌ها و ... بنابراین توانسته در میدان‌های مختلف خود را به نمایش بگذارد اما این نقطه کماکان محدود است و ظرفیت کمی را به لحاظ حوزه‌های ورود و تربیت افراد به خود اختصاص داده است، در حالی که این حرکت در مواقع مختلف ظهور و بروزهایی از خود نشان داده که حاکی از ظرفیت گسترده این حرکت برای گسترش یافتن است؛ لذا مقام معظم رهبری، امروز به دنبال اصلاح و پیشرفت نرم‌افزاری، گفتمانی و کثرت تعداد افراد جهادی این طرح در زمینه‌های مختلف و جهت دادن به ایشان برای حضور در دوره‌ای جدید و در راستای گام دوم انقلاب اسلامی است.

شکل ۲- چگونگی تعیین‌یافتگی حرکت جهادی تا به امروز



۵. شاخصه‌های حرکت جهادی

در منطق انقلاب اسلامی و منظومه فکری مقام معظم رهبری، یک حرکت جهادی توأم با ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که آن را از فعالیت‌ها و حرکت‌های دیگر متمایز می‌کند. جمع این شاخصه‌ها با یکدیگر، یک حرکت جهادی را رقم خواهد زد، در غیر این صورت هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند عنوان جهادی بودن را اتخاذ کنند. این شاخصه‌ها عبارتند از:

۱-۵. جهد؛ تلاش طاقت‌فرسا

بسیاری از افراد به اشتباه تلاش طاقت‌فرسا را جهاد می‌نامند، اما در ادبیات دینی این امر را به «جهد» باید شناخت و نه جهاد. به‌عنوان مثال، این که نیروهای جهادی از خواب خود کم کرده و در مناطق محروم کار می‌کند و یا مدیری که به جای ۸ ساعت فعالیت در روز، ۱۵ ساعت فعالیت می‌کند، این فرد مدیر جهادی نیست بلکه صرفاً مدیر پر تلاشی است که کار طاقت‌فرسا و افزون بر حرکت عرفی انجام می‌دهد و شبانه‌روز به فعالیت مشغول است. لکن از شاخصه‌های جهادی بودن نیز جهاد کردن است؛ لذا اگر یک حرکت جهادی همراه با جهاد نباشد، به سختی می‌تواند عنوان جهادی بودن را به دوش بکشد.

۲-۵. اجتهاد؛ تفکر و آگاهی

شاخص دوم یک حرکت جهادی، برخورداری آن از فکر و آگاهی است. اساساً فعالیت جهادی یک امر فکورانه و اجتهادی است. مقام معظم رهبری پیرامون چیستی انفاق بیان کرده‌اند:

«انفاق آن چیزی است که یک خلائی را پر می‌کند. یک نیازی را برآورده می‌کند. پس انفاق کار همه کس نیست؛ انفاق کار مردمان باهوش است. آنهایی که خلأها و نیازها را می‌فهمند و حاضر می‌شوند به جا آن خلأها و نیازها را پر کنند»^۱. ۱۳۵۳/۰۶/۲۸

براین اساس، خرج کردن پول انفاق نیست؛ بلکه از دیدگاه اسلام انفاق آن زمانی معنا می‌یابد که ناظر به رفع یک خلأ اجتماعی باشد و فهم یک خلأ و ارائه راهکار برای آن زمانی ممکن است که افراد صاحب فکر و تحلیل حاضر در میدان باشند و خلأها و اولویت‌ها و تطبیق مصادیق بر انفاق را فهم کنند. لذا از افراد صاحب

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب: «طرح کلی اندیشه اسلامی».

خرد و هوش توقع چنین کاری که خلأها و نیازها را بفهمند و حاضر می‌شوند آن خلاها و نیازها را پر کنند. نیروها و حرکت‌هایی می‌توانند خود را جهادی بدانند که در این موقعیت قرار گرفته و پیش می‌روند.

۳-۵. مبارزه؛ تخاصم با حرکت دشمن

شاخص سوم عبارت است از تخاصم. این شاخص نسیت به شاخص‌های پیشین از اهمیت مضاعف برخوردار است در حالی که نسبت به دو شاخص قبل، غفلت بیش‌تر نسبت به آن وجود دارد. یک حرکت جهادی یا مدیریت جهادی یا گروه جهادی اگر فاقد این شاخصه باشد و تخاصم نداشته باشد، اساساً نمی‌توان عنوان جهادی بودن را بر آن قرار داد. تخاصم یعنی دشمنی، یعنی مبارزه، یعنی عدم تبعیت، یعنی جهاد کبیر. مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان علمی نیز این مضمون را به کار برده‌اند که از شروط جهاد علمی، دشمنی و تخاصم است. تخاصم غیر از عداوت است؛ عداوت یعنی یک نفر با کسی میانه خوبی ندارد اما تخاصم یعنی آن فرد پیگیر است تا دیگری را زمین بزند و چشم از او بر نمی‌دارد.

«جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهتگیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است^۱. ... جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است^۲».

لذا در حالی که غرب خود را آخرین نسخه هدایت بشر و آمریکا را سرزمین آرزوها و فرصت‌ها و اتویای بشر و آرمان‌شهر وعده داده شده به بشر معرفی کرده است، باید با طرح‌ها و اندیشه‌های آن که در غالب برنامه‌های مختلف توسعه به جوامع تحمیل می‌شود، مبارزه کرد، نادرستی آن را نشان داد و مسیر متفاوتی را طی کرد. از دو جهت به این برنامه‌ها به دیده تردید باید نگریست؛ الف) فرهنگی این برنامه‌ها به دنبال پیاده کردن آن هستند؛ ب) نیت و اهداف نگارندگان این برنامه‌ها برای سایر جوامع. مقام معظم رهبری پیرامون عدم اعتماد و تبعیت تام به

^۱ بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۰۵/۲۶.

^۲ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱.

نسخ توسعه که در برنامه‌ها مختلف بین‌المللی به جوامع ارائه می‌شود و آن‌ها را ملتزم به اجرای آن‌ها می‌کنند بیان داشته‌اند:

«دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه اقتصادی هم به ما می‌دهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک دارویی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط می‌کنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه سیاسی و نسخه اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است.^۱»

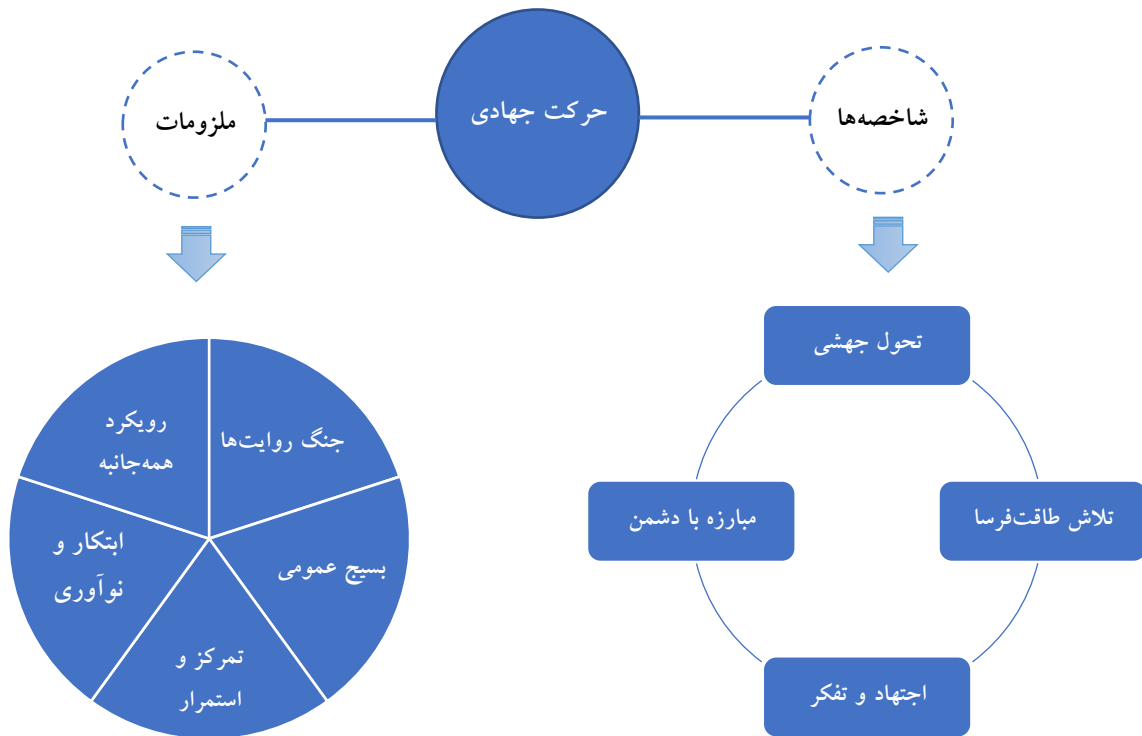
۴-۵. تحول جهشی و نوآورانه

به صورت کلی دو ایده متفاوت در میان جریان‌های داعیه‌دار احیای هویت و تمدن اسلامی در برابر غرب، در جهان اسلام وجود دارد: الف) جریان قائل به حرکت اصلاحی؛ ب) جریان قائل به حرکت‌های تحولی. معمولاً نظریه‌های تحول به سمت جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها حرکت می‌کنند و نظریه‌های اصلاحی حرکت‌های تدریجی آرام برای نفوذ در حاکمیت و نیروسازی را در دستور کار خود قرار می‌دهند.^۲ به نظر می‌آید که هر کدام از این ایده‌ها بستگی به اقتضائات گوناگون در شرایط و برهه‌ای می‌توانند ایده برتر باشند لکن از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری شرایط امروزه جامعه ایرانی باید به سمت تحول حرکت کند؛ به این معناکه ظرفیت بی‌ظنیری و مشکلات و گره‌هایی که امروز در کشور وجود دارد، همه متوجه این امر است که نمی‌توان با تغییرات و تدبیرهای عادی و اصلاحات جاری، کشور را تغییر داد و بر مشکلات و مسائل فائق آمد. امروز نیاز قطعی کشور این رقم زدن یک جریان تحولی برای پیشرفت است که «جهشی، جهادی و نوآورانه» بودن از ویژگی‌های آن است. لازمه این امر، قرار گرفتن این جریان در مسیر جهاد پیشرفت است. اساساً حرکت‌های پرشتاب برای پیشرفت نیازمند روحیه جهادی است این امر رقم نمی‌خورد مگر با کنار گذاشتن قواعد مرسوم اداری.

^۱ بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۵.

^۲ به عنوان مثال، تفاوت این دو جریان را در تاریخ معاصر ایران، می‌توان در تقابل جریان تحولی نواب صفوی در برابر جریان اصلاحی آیت‌الله کاشانی مورد توجه قرار داد. در انقلاب نیز اختلافی که امام با جبهه ملی پیدا می‌کند این است که امام قاطعانه می‌ایستد و این طرح را پیش می‌برد که امروز زمان انقلاب و قیام و جنبش‌های اجتماعی فرا رسیده است اما در سوی مقابل، جریان جبهه ملی قائل به این بودند که در حرکتی آرام باید وارد مجلس شده و با تأسیس پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های گوناگون و قدم گذاشتن در مسیر تربیت گسترده نیروهای هم‌فکر، زمینه اجتماعی و سیاسی لازم برای تغییرات سیاسی را فراهم کرد و آن را به نقطه اوج و تغییرات اساسی رساند.

شکل ۳- شاخصه‌ها و ملزومات حرکت جهادی



۶. ملزومات فعالیت‌های جهادی

در کنار شاخصه‌های یک حرکت جهادی که اصل و اساس آن را شکل می‌دهد، فعالیت‌های جهادی برای آنکه بتوانند کارآمدی خود را حفظ و ارتقاء دهند، باید دربرگیرنده ویژگی‌هایی باشند که به‌عنوان الزامات این حرکت همواره مورد توجه باشد. این ملزومات عبارتند از:

۶-۱. تمرکز و استمرار

برای آنکه یک کار جهادی تبدیل به یک حرکت گفتمان‌ساز و شبکه‌ساز شود، به‌نحوی که عناصر آن در لایه‌های مختلف به‌صورت جهتمند در یک مسیر حرکت کنند، «تمرکز و استمرار» داشتن آن حرکت تا رسیدن به نتیجه و هدف که در نهایت تعیینی از عدالت و پیشرفت است، از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌عنوان مثال، در یک منطقه‌ای که از محرومیت رنج می‌برد، گروه‌های جهادی نباید به بهانه خودسازی و تربیت نفس و یا گاهی با روحیه مذموم تورگردی، صرفاً با یک حرکت مقطعی، کار کوچکی را انجام داده و از منطقه خارج شوند. امسال

اردیبهیل سال بعد چابهار، سال دیگر شیراز، بعد از مدتی جنوب کرمان و ... مقام معظم رهبری استمرار و تمرکز را از خصوصیات جهاد برمی‌شمردند و بیان می‌دارند:

«جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن^۱»

۲-۶. نگاه چندجانبه و همه‌جانبه

از ملزومات یک حرکت جهادی، نگاه کل‌نگر و زنجیره‌ای نسبت به مسائل یک منطقه است. باید توجه داشت که منطقه علاوه بر اینکه دارای مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است، هر مسأله نیز دارای ریشه‌ها و ابعاد مختلفی است. تک‌بعدی دیدن مسائل از آسیب‌هایی است که همواره دامن‌گیر حرکت‌های جهادی بوده است. این نگاه تک‌بعدی مصادیق گوناگونی دارد که آن را به صورت خاص در عدم توجه به فرهنگ‌های گوناگون مناطق و ارائه یک راهکار واحد برای تمام آن‌ها و همچنین پرداختن صرفاً به یک مسأله از زنجیره مسائل یک منطقه محروم می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۳-۶. روایت و جنگ شناختی

چنانکه ذکر شد، بخشی از جنگ شناختی امروز، جنگ و نزاع بزرگ روایت‌هاست. حرکتی که نتواند از خود روایتی به جامعه ارائه دهد و در برابر روایت‌های دیگر قد علم کند، دیگران برایش روایت خلاف جهت خواهند ساخت و یا در خوشبینانه‌ترین حالت مانند شیء گرانمایه‌ای خواهد بود که کسی از آن خبری ندارد؛ گویی بود و نبودش برای جامعه یکسان است. به‌عنوان مثال، در زمان ۸ سال دفاع مقدس دو روایت از جنگ با یکدیگر به تنازع پرداختند؛ الف) روایتی که جنگ ایران و عراق را همچون سایر جنگ‌های دنیا همراه با قواعد و پیشامدهای مشخص می‌دانست و سختی‌هایی و کشتگان آن را قهرمانان ملی و فجایع جنگ را آثار و نتایج طبیعی آن در نظر می‌گرفت. ب) روایت مقابل که امام خمینی (ره) مبدع آن بوده است، مسئله اصلی را فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی که همان تربیت انسان‌هاست می‌داند؛ جنگ در این رویکرد، روایت انسان‌هایی است که بر شدائد و مصیبت‌ها و ابتلائات غلبه کردند و به کمال رسیدند. نزاع شهید آوینی در روایت فتح با روایت جنگی که توسط

^۱ بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۶/۰۵/۲۶.

روشنفکران سینمایی و هنری رخ داد، از جنس همین تنازع روایت‌ها بود که با غلبه روایت فتح همراه بود و انقلاب اسلامی در ادامه از این روایت بهره برد. لذا جنگ روایت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و در دنیای امروز که جنگ شناختی در زمرهٔ عداد جنگ‌های مختلف به شمار می‌آید و از پرکاربردترین آن‌هاست. در این نزاع میان روایت‌ها، در برخی مواقع روایت جهاد از خود جهاد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند یا لااقل کم از آن نیست؛ چنانکه روایت حضرت زینب علیها السلام از واقعهٔ عاشورا اگر بیش از اصل آن واقعه اهمیت نداشته باشد، کم‌تر از آن نبوده است.

۴-۶. بسج عمومی و به میدان آمدن مردم

رقابت میان گروه‌ها جهادی، باید ناظر به این باشد که کدام یک می‌توانند بیش از پیش مردم را به میدان جهاد وارد کنند. نه آنکه میان گروه‌های جهادی و نهادهای دیگر رقابت فارغ از کنشگری مردم ایجاد شود؛ چنانکه امروز میان نهادهایی همچون ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد برکت، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی، بسیج سازندگی و ... رقابت وجود دارد که مردم را از گرسنگی و فقر نجات دهند و به صورت رسانه‌ای بسته‌های آماده شده برای نیازمندان را به نمایش می‌گذارند. در این حالت اساساً مردم احساس تکلیفی برای حضور در میدان ندارند؛ چراکه به آن‌ها گفته می‌شود این نهادها با تمام توان هستند و شما در خانه‌های خود مانده و در بهترین حالت پول خود را به حساب آن‌ها واریز کنید! در صورتی که می‌بایست میان گروه‌های جهادی مختلف مسابقه به راه بی‌افتد که کدام گروه جهادی، مسجد، هیأت و ... بیش‌تر توانسته است مردم را درگیر این موضوع کند و تصاویری که به مردم مخابره می‌شود ناظر به کنشگری مردم در این راستا باشد؛ همچون پیرزن، راننده تاکسی، مغازه‌دار، دانشجو، جوانان و نوجوانان و تمام اقشار جامعه که در این راستا در حد توان خود به میدان آمده و در حال خدمت‌رسانی و کمک با انگیزه و مال و توان خود است. در این تصویر، اساساً جهادی‌ها به معنای یک گروه و نهاد محوری نیستند؛ بلکه این خود مردم هستند که «مسائل مردم» را حل می‌کنند. عرضه و توان گروه‌ها و نهادهای جهادی باید معطوف به آوردن مردم به عرصه‌های جهادگری باشد؛ هر گروهی که توانست مردم را بیش‌تر به میدان آورد، آن گروه یقیناً برتر است. گروه‌های جهادی نباید خود را فرشته نجات مردم بدانند بلکه بایستی عموم مردم در متن کار و حکمت جهادی نقش‌آفرین باشند؛ نقش گروه‌ها و جریان‌های جهادی در حوزه شتاب‌دهندگی و زمینه‌سازی است. برای این امر، نیروها و جریان‌های جهادی باید مجهز به مهارت‌هایی باشند، مهارت‌های مورد نیاز گروه‌های جهادی برای گفتمان‌سازی و به میدان آوردن مردم عبارتند از:

- ا) «قدرت آگاهی بخشی» کار جهادی تنها بیل زدن و آباد کردن و رفتن به سراغ منطقه دیگری نیست؛ بایستی تعامل فعالانه با مردم وجود شکل بگیرد. لذا گروه‌های جهادی باید با مردم بجوشند و آن‌ها را نسبت به مسائل کلان منطقه خودشان آگاه و سپس فعال کنند.
- ب) «قدرت اقناع»: برای آنکه مردم در نسبت با مسائل خود شروع به فعالیت و اقدام کنند، علاوه بر آگاهی باید از طریق مدیریت اجتماعی، مردم را اقناع کرد که با توان و مال خود در این دایره اثربخش باشند.
- ج) «قدرت هدایت»: اقناع و به میدان آوردن مردم، باید در زنجیره‌ای از مفاهیم رخ دهد. مفاهیمی که در آن مردم اگرچه با مفاهیم و موضوعات پیچیده باصطلاح نخبگانی مواجه نیستند اما تفاوت مسیر پیشرفت و توسعه را فهم می‌کنند و در نسبت با جهاد پیشرفت کنشگری می‌کنند. برای تحقق این امر جریان‌های باید مهارت‌های گفتمان‌سازی را اخذ کنند.
- د) «ایده‌پردازی و خلاقیت»: جریان‌های جهادی باید طرح‌های ابتکاری و جدید داشته باشند و از کارهای کلیشه‌ای و تکراری بپرهیزند. نیروها و گروه‌های جهادی بایستی در حوزه ایده‌پردازی و خلاقیت، آموزش‌های لازم را ببینیم.

شکل ۴- مهارت‌های گفتمان‌ساز مورد نیاز جهادی‌ها



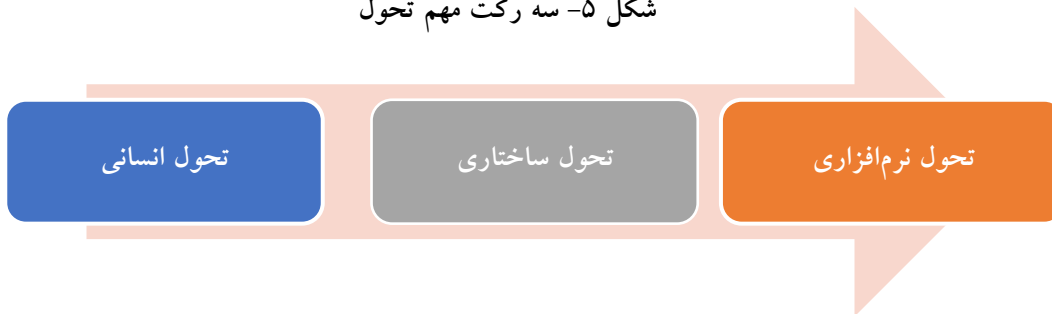
۵-۶. ابتکار و نوآوری

ابتکار و نوآوری اگرچه در نتیجه تحول و همچنین به میدان آمدن مردم خود را به منصه ظهور می‌رساند اما اهمیت آن به میزانی است که می‌توان آن را به صورت مجزا از الزامات جهاد پیشرفت لحاظ کرد. حرکت جهاد پیشرفت و طرح‌های مبتنی بر آن باید از ویژگی مبتکرانه و جدید بودن برخوردار باشند. کارهای کلیشه‌ای و تکراری اگرچه ممکن است فوائد کوتاه و زودگذری داشته باشند اما غالباً با تحول‌آفرین بودن در تعارض هستند. جریان‌های جهادی باید همواره ایده‌های جدیدی را در ذهن داشته باشند که با ویژگی‌های بومی، فرهنگی و اجتماعی تناسب داشته باشند.

۷. زمانه تحول و جهاد

پابرهنگان، محرومان و کوخ‌نشینان سرمایه‌های حرکت جبهه حق هستند و اگر امروز انقلاب اسلامی در گام دوم حرکت خود، می‌خواهد تمدن‌سازی کرده و نرم‌افزار حرکت آن به پیشرفت و عدالت تغییر پیدا کند و اگر امروز سخن از بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی به میان می‌آید، اگر امروز تولید و اقتصاد مقاومتی مهم‌ترین ایده انقلاب اسلامی در ساحت اقتصاد است و همچنین در ساخت زیربنا به دنبال اصلاح سبک زندگی است، باید به درستی این ایده انقلاب اسلامی را فهم کرد که این امور محقق نخواهد شد، مگر با محوریت، پیشرانی و نهضت محرومین و این مهم نیز ممکن نخواهد بود مگر با تحول در حرکت‌های جهادی، دولت و نظم اجتماعی. تحول صرفاً با جابجایی نیروهای انسانی رخ نخواهد داد؛ بلکه سه رکن مهم در تحول را باید همواره در نظر داشت: الف) تحول انسانی؛ ب) تحول ساختاری؛ ج) تحول نرم‌افزاری. اگر این سه با یکدیگر پیش نروند، صرف جابجایی مدیران - حتی مدیران جهادی - نمی‌تواند منجر به تحول شود.

شکل ۵- سه رکت مهم تحول



۷-۱. چیستی تحول

تحول جوامع انسانی از منظر مقام رهبری امری حتمی، غیرقابل انکار و راز ماندگاری جوامع انسانی است؛ لکن این تحول گاه رو به پیشرفت است و گاه رو به پسرفت اما مهم این است که سر رشته این تحول به دست خود انسان‌ها است. ایشان در این باره بیان داشته‌اند:

«آیه معروفی است: «انَّ اللّهَ لایغیر ما بقوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم»^۱. تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست. خلاصه این‌ها این است که شما آحاد انسان، سررشته‌دار تحولات جامعه هستید؛ شما هستید که تحول و تغییر را ایجاد می‌کنید. عزم انسان، تعیین‌کننده است. بعضی ممکن است بگویند منظور از عزم انسان چیست؟ اراده چه کسی؟ اراده من یک نفر، توی یک نفر، اراده چه کسانی مؤثر است؟ فی‌الجمله عرض بکنم که عزم یک‌یک انسان‌ها در حد خودش تأثیر دارد؛ نه فقط در مسائل شخصی - که تأثیر تام دارد - بلکه در مسائل اجتماعی. ما اگر چنانچه آرزوهایمان، هوس‌هایمان، هواهای نفسانیمان در فعالیت‌هایمان حاکم شوند و در رفتار ما، عقل کنار بیاید و محاسبه درست کنار زده شود، این کار در ایجاد یک سلسله تحولات منفی در جامعه تأثیر می‌گذارد^۲. ... حالا تحول یعنی چه؟ تحول چرا؟ مگر بناست تغییر اتفاق بیفتد؟ بله. تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می‌افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. در بشریت تحول حتمی است. با تحول نیابستی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهم کرد - به شکل درست حرکت کرد. در مقابل تحول چه هست؟ رکود. نقطه مقابل تحول، رکود است^۳. آنچه خوب و درست است، جامعه با ثبات، اما غیر راکد و دارای تحول است؛ جامعه‌ای که حتّی تحولات صحیح را سریع در خودش به وجود بیاورد.^۴»

^۱ قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.

^۲

^۳ ادامه بیانات: بعضی این‌ها را غلط می‌فهمند و اشتباه معنا می‌کنند. بعضی رکود را با ثبات اجتماعی اشتباه می‌کنند. رکود، بد است؛ ثبات اجتماعی خوب است. بعضی خیال می‌کنند که رکود یعنی ثبات اجتماعی. تحول را هم بعضی با آنارشیزم و هرج و مرج و هر چی به هر چی بودن، اشتباه می‌کنند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و زیر سؤال بردن همه اصالت‌هاست، اینها هم برای اینکه تحول ایجاد کنند، ثبات اجتماعی را از بین می‌برند.

^۴ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

۲-۷. مدیریت تحول

امروز از منظر مقام معظم رهبری، زمانه تحول است؛ تحول عبارت است از کار نهضتی. لذا با امور عادی و اصلاح و تدبیرهای جاری و روزمره نمی‌توان تحول ایجاد کرد، بلکه باید نهضت ایجاد کرد؛ چنانکه مقام معظم رهبری، خطاب به جهادی‌های فرمودند مأموریت اصلی شما نقش‌آفرینی در به میدان آوردن مردمی است که از جریان محرومیت‌زدایی به دور مانده‌اند. لذا باید به دنبال ایجاد یک حرکت بزرگ در راستای یک تحول بزرگ بود که ابتدا از دورن گروه‌ها و جریان‌های جهادی شروع می‌شود و در نهایت گستره عظیمی از جامعه را در برمی‌گیرد. لکن این تحول نیازمند مدیریت است؛ مقام معظم رهبری نخبگان فکری و فرهنگی جامعه را مسئول مدیریت تحول در جامعه می‌داند:

«باید راه آزاداندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و برهم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد. این کار، مدیریت صحیح لازم دارد. چه کسی باید مدیریت کند؟ نگاه‌ها فوراً می‌رود به سمت دولت و وزارت علوم و...؛ نه، مدیریتش با نخبگان است؛ با خود شماست؛ با اساتید فعال، دانشجوی فعال و مجموعه‌های فعال دانشجویی. حواستان جمع باشد! دنبال حرف نو و پیدا کردن حرف نو حرکت کنید؛ اما مراقب باشید که این حرف نو در کدام جهت دارد حرکت می‌کند؛ در جهت تخریب یا در جهت ترمیم و تکمیل؛ وظیفه‌ی نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت این تحول است. نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسلیم هر تحولی شد!»^۱

ایشان همچنین در راستای شرح وظایف حلقه‌های میانی که از جنس نخبگان فکری بوده و در بطن جامعه و مرتبط با آحاد مردم نیز هستند، به نقش آن‌ها در فهم مسائل، برنامه‌ریزی و حل آن‌ها اشاره کرده و به میدان آوردن مردم و جهت‌دهی به آن‌ها را از مأموریت‌های ایشان بیان می‌کنند:

«در هر برهه‌ای از زمان راه‌کارهای عملی مورد نیاز است ... بالاخره راه‌کار عملی برای اینکه ما بتوانیم به‌عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ راه‌کارهای عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتوان این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش برد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راه‌کار، ارائه راه‌کار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده

^۱ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولان خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است.^۱»

۳-۷. نسبت تحول با عدالت و پیشرفت

عدالت و پیشرفت، نرم‌افزار این تحول است و لذا نسل جدیدی که بار این امر مهم به دوش آن‌ها سپرده شده است، همواره باید به این نرم‌افزار متذکر و مجهز باشند. براین اساس، لازم است که «جهاد» به تمام عرصه‌ها ورود پیدا کند و معنا یابد؛ به این معنا که «روحیه جهاد» می‌تواند عرصه‌های گوناگونی همچون سلامت، علم، نظام شهرسازی، آموزش و پرورش، نهاد حوزه و دانشگاه و ... را دگرگون کرده و در آن‌ها انقلاب و تحول ایجاد کند.

«این تحول برای چیست؟ برای پیشرفت. پیشرفت چیست؟ باید آن را معنا کنیم. اولاً این سؤال را باید از خودمان بکنیم: پیشرفت چیست؟ اگر سؤال نکنیم که پیشرفت چیست، پیداست به فکر پیشرفت نیستیم. اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آن‌هاست. در کنار این‌ها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند؛ اگر این نشد، همه آنچه که دستاوردهای به معنای عرفی و رایج جهان پیشرفته محسوب می‌شود، ممکن است در راه‌های غلطی مصرف شود. ما تحولی می‌خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ همه افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کنند: کُلُّکُم رَاعٍ و کُلُّکُم مَسْئُولٌ عَن رَعِيْتِهِ. آن تحولی که در پیوندها و نظامات اجتماعی به یک چنین حقایقی منتهی بشود، آن پیشرفت است.^۲»

چنانکه مشخص است، در اندیشه مقام معظم رهبری، یک؛ با تحول نباید سینه به سینه شد. دو؛ از تحول باید استقبال کرد. سه؛ نه فقط با تحول نباید دشمنی کرد، که باید از آن استقبال کرد. چهار؛ تحول را باید مدیریت کرد؛ در تحول، دگرگونی به سمت پیشرفت و تعالی را باید در نظر گرفت. تحولی که موجب پسرقت بشود، تحول بدی است. پنج؛ تحول را با آনারشیسیم و ساختارشکنی و هرج و مرج نباید اشتباه گرفت. و بالاخره پایه تحول را بایستی غیر از آن چیزی که امروز معیارهای پیشرفت در دنیا محسوب می‌شود دانست؛ و معیارهای ویژه

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

^۲ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.

جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان دوستی و ارتباطات و عواطف بشری را در نظر گرفت و این‌ها را هم بایستی جزو معیارهای پیشرفت دانست. براین اساس، لازم است که گروه‌های جهادی در دام مکر توسعه قرار نگیرند و تحول را همواره با معیارهای پیشرفت مد نظر انقلاب اسلامی پیش ببرند. ایشان سه عنصر مهم را برای پیشرفت ذکر می‌کنند:

«الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدیِ خالص که این ایمان توحیدیِ خالص، هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، هم در ساخت جامعه و قوارهٔ عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گسترهٔ بی‌انتهای [آن] - هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند این‌ها - جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج می‌کند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همهٔ این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.»^۱

۸. حرکت جهاد و دام توسعهٔ مکار

از نقاطی که انقلاب اسلامی تفاوت مسیر و حرکت خود را با تمدن غرب به صورت واضح مشخص کرده است، قرارداد مفهوم پیشرفت در مقابل توسعه و ایجاد دوگانه میان این دو مفهوم است که اساساً نظم دیگری را ترسیم می‌کند؛ در این دوگانه، نظم توسعه نظمی است که دنیای مدرن و تمدن غربی برای ادارهٔ جامعه وضع کرده است و این واقعیت وجود دارد که جامعهٔ ایران نسبت به این نظم در غفلت زیادی وجود دارد.

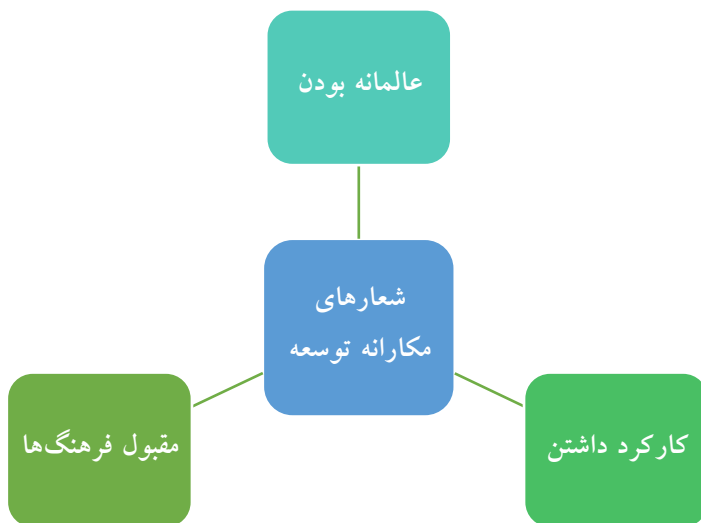
۸-۱. شعارهای مکارانه توسعه

نظم توسعه با شعار عالمانه بودن (Scientism)، کارکرد داشتن (Pragmatisme) و ارتباط با تمام فرهنگ‌ها (laicism) توانسته است خودش را به جامعهٔ ما بقبولاند. این امر خود نیازمند یک جهاد تبیین است برای عبور جامعه از آن و نشان دادن غیرواقعی بودن این شعارها تا جامعه و ساختارهای مختلف آن به این امر واقف شوند

^۱ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲.

که توسعه سرایی بیش نبوده است و باید مسیر دیگری را جست و پیمود؛ مسیری که در مینا، غایت و حتی در ماهیت متفاوت از توسعه پیش می‌رود؛ مسیری که مقام معظم رهبری از آن تعبیر به پیشرفت کرده‌اند. امروز، توسعه وضعیت پیچیده‌تری نسبت به گذشته پیدا کرده است.

شکل ۶- شعارهای مکارانه توسعه



توسعه امروز مکارتر شده است و خود را شکل و سیاق‌های گوناگون و غیر آشکاری به جامعه نمایش می‌دهد و مسیر توسعه خود گواه این امر؛ چنانکه تغییراتی از توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی، سپس به توسعه انسانی، پس از آن به توسعه همه‌جانبه، در ادامه به توسعه پایدار و مراحل متفاوت آن طی کرده است دلالت بر این موضوع داشته که توسعه همواره خود را در موضوعات، ساحت‌ها و مسائل مختلف با ماهیت‌های به ظاهر متفاوت نشان داده است و در تمام عرصه‌ها نفوذ خود را بسط داده است. امروز سند ۲۰۳۰ که به عنوان آخرین نسخه سند پایدار معرفی شده است و امروز محور اداره جهان است و نهادهای بین‌المللی براساس آن عمل می‌کند، سند بسیار «مکاری» است؛ به نحوی که، همانطور که ما دم از عدالت، بومی‌سازی، با مردم بودن، جریان خودجوش مردمی و ... می‌زنیم، این سند هم این امور را شعار خود قرار داده است. از آنجا که جنس شعارها بسیار به یکدیگر نزدیک شده است، لذا جریان‌های جهادی به دقت بیشتری نیاز دارند برای فهم حرکت توسعه؛ به گونه‌ای که اگر در اوائل انقلاب تا اوایل دهه هفتاد، فطرتاً شناخت آن آسان و قابل درک بود، امروز بسیار کار فکری نیاز است تا این حرکت فهم شود و این نیز به دلیل مواجه بودن ما با وضعیت جدیدی است که فهم این جریان را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

۸-۲. مکر توسعه در خدمات اجتماعی

یکی از آن ابعاد، حرکت توسعه به سمت حوزه‌های اجتماعی است که در آن توسعه به دنبال نحوی تسخیر انسان‌ها است در یک برنامه جامع جهانی است؛ براین اساس، بار توسعه به دوش مردم نیست، بلکه بر دوش تسهیل‌گران است و کار اصلی توسعه همراه‌سازی مردم و افزایش تاب‌آوری آن‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه است. اصل و اساس توسعه، مبتنی بر نظام سودمحور سرمایه‌داری است و بنیان آن در شعار خدمات اجتماعی و پرداختن به محرومین است. برای درک این مطلب، به صورت ساده در قالب یک مثال می‌توان فرایند توسعه به سمت خدمات اجتماعی را ترسیم کرد؛ به‌عنوان مثال، مبتنی بر اسناد توسعه، جامعه ایران باید یک جامعه صنعتی باشد و نه یک جامعه کشاورزی و این صنعت باید متمرکز بر کلان‌شهرها باشد، زیرا مصرف‌کننده اصلی جامعه شهرنشین است. براین اساس، برای آنکه هزینه‌های انتقال کالاها به شهر کاهش پیدا کند، کارخانه‌ها باید در کنار شهرها احداث شوند. از آن جهت که این کارخانه‌ها به کارگران ارزان نیاز دارند، باید عده‌ای از روستاها مهاجرت کرده و کارگر شهرها شوند. از آنجا هزینه‌های زندگی در شهر زیاد است و کفاف کارگرها را نمی‌دهد، به‌صورت در حاشیه شهرها ساکن می‌شوند. پس از آنکه توسعه فرایند خود را طی می‌کند با پدیده حاشیه‌نشینی روبه‌رو می‌شود که به صورت بدقواره و بدون برنامه‌ریزی پدید آمده است. این پدیده همچون بسیاری از پدیده‌های دیگر، از اموری هستند پس از طی شدن توسعه، از آن‌ها به آسیب‌های اجتماعی یاد می‌شود و اسناد توسعه تازه متوجه می‌شوند که برای این امور نیز باید فکری کنند و در این مرحله است که سخن از عدالت به نحو تأخیری آن به میان می‌آورند. عدالت در حرکت توسعه، اصالتی ندارد، بلکه صرفاً برای کاهش آلام آسیب‌های است که برای طی شدن توسعه، جامعه لاجرم از پذیرش آن‌هاست. لذا عدالت در منطق توسعه به سمت خدمات اجتماعی به محرومین معنا پیدا می‌کند؛ آسیب‌هایی که خود توسعه آن‌ها را پدید آورده است! اسناد توسعه در ادامه به این نمی‌پردازند که اصلاً «چرا جامعه ایران باید صنعتی می‌شد؟!»، «شهرنشینی چرا اصالت دارد؟!»، «چرا برای سود بیش‌تر سرمایه‌داری باید کارگر ارزان آورد؟!»، «چرا باید کارخانه‌ها را در کنار شهرها زد و آلودگی‌های محیط زیستی را به ارمغان آورد؟!» و بسیاری از پرسش‌ها که در اسناد توسعه حتی اسناد متأخر آن جوابی برای این پرسش‌ها وجود ندارد. اگر حرکت‌های جهادی که همواره به مفهوم مبارزه با محرومیت گره خورده‌اند به این فرایندی که توسعه طی می‌کند دقت کافی نکنند، به راحتی در دام توسعه افتاده و در مسیری حرکت می‌کنند که اسناد توسعه برای آن‌ها ترسیم کرده‌اند.

۸-۳. تطور اسناد توسعه

در توضیحی که در بخش پیش به صورت مثال ذکر شد، به وضوح می‌توان به این امر پی برد که اسناد توسعه، خود در حال تطور هستند. جالب آنکه با رجوع به مقدمه این اسناد، می‌توان به این واقعیت پی برد که اسناد جدید و امروزمین توسعه، ماحصل شکست اسناد گذشته و اولیه بوده است. به عبارت دیگر، اسناد توسعه خود محصول تجربه‌های بشری می‌باشد و قواعد آن لزوماً الگوی مطلوبی چنانکه در می‌بایست نبوده. توسعه هرچه جلوتر آمده است، به دنبال ترمیم آثار مخربی بوده که خود مسبب شکل‌گیری آن‌ها بوده است. لکن زاویه‌ای که کم‌تر به آن توجه می‌باشد، سیری است که توسعه برای کشورهای جهان ترسیم کرده است اما در نهایت، تمام آن‌ها در راستای بهره‌مند شدن بیش‌تر کشورهای باصطلاح توسعه‌یافته بوده است؛ اساساً اینکه کشوری در حال توسعه، بتواند در تراز چند کشور معدود توسعه‌یافته قرار گیرد، امری محال است و این یعنی توسعه سرابی بیش نیست و تمام اسناد آن بیش از آنکه در خدمت کشورهای در حال توسعه قرار گیرد، در خدمت کشورهای توسعه یافته است. به‌عنوان مثال، روند توسعه رخ داده در کشورهای از نظر اجتماعی در حال توسعه (SLDC) که بیشتر آنها در مناطق در حال توسعه آفریقا، آسیا و دولت‌های باقیمانده از اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار دارند، نشان می‌دهد که بیشتر این کشورها با خطر فرو غلتیدن در سطوح عمیق‌تر فقر، ناامیدی، و زوال انسانی مواجه هستند. رشد سریع جمعیت، تداوم سطوح بالای مخارج نظامی، ناتوانی‌های اقتصادی مزمن، فقر در حال گسترش، تضادهای اجتماعی در حال عمیق‌تر شدن، ساختارهای تضعیف شده خانواده و نبود برنامه‌های مکفی رفاه اجتماعی، دلایل اصلی سیر منفی روندهای توسعه برای بیشتر کشورهای فقیر در حال توسعه بوده است.

۸-۴. جهاد در خدمت توسعه

متأسفانه، امروز بسیاری از گروه‌ها جهادی و سازمان‌های مدعی فعالیت‌های جهادی، در خدمت به اهداف توسعه قرار دارند؛ و نه فقط در خدمت اهداف توسعه هستند، بلکه با نهادهای توسعه قرارداد می‌بندد و باز ابه این اکتفا نکرده و پیش‌تاز اجرای طرح‌های توسعه می‌شوند و در نهایت برخی از آن‌ها تبدیل به الگوهایی شده‌اند که در محافل علمی مربوط به توسعه مورد توجه قرار گرفته و الگوی آن‌ها تدریس و ترویج می‌شود؛ چراکه با روحیه جهادی به اجرای طرح‌های توسعه پرداخته و طبیعتاً اجرای آن طرح را با رشد و سرعت چشم‌گیری پیش برده و رکورد زده‌اند. به‌عنوان مثال، امروز از گروه‌هایی که با اهداف توسعه در سیستان فعال بوده و در این راستا با برگزاری دوره‌های آموزشی برای خانواده‌ها از سرعت فرزندآوری جلوگیری کرده و در کاهش جمعیت منطقه

موفق بوده است، یک گروه جهادی است که سرپرستی آن گروه را یک روحانی برعهده دارد و اعضای آن گروه از فعالین بسیج هستند. این گروه جهادی توانسته است شاخص‌های سازمان بهداشت جهانی را در روستاهایی از سیستان محقق کند و به راستی کدامین گروه را می‌توان در نظر گرفت که بتواند چنین خدمتی را به توسعه و مراکز آن بکند. زمانی که امر مقدسی همچون جهاد، در خدمت توسعه قرار گیرد، طبیعتاً روند آن را با شتاب روزافزون مواجه می‌کند و شتاب قرار گرفتن ایران در روند توسعه پس از انقلاب اسلامی را نیز از همین منظر می‌توان بررسی و تحلیل کرد. از مهم‌ترین مصادیقی که گروه‌ها و جریان‌های جهادی باید به آن توجه داشته‌اند، عدم تبعیت از طرح‌های غرب در این زمینه است؛ این عدم تبعیت ناظر به نزاع و تخصمی است که غرب با انقلاب اسلامی دارد. مقام معظم رهبری از این عدم تبعیت تعبیر به «جهاد کبیر» می‌کنند. اگر گروه‌های جهادی در طرح‌هایی که در راستای خدمت به محرومین و مستضعفین دنبال می‌کنند، بی‌پروا طرح‌های توسعه را دنبال کنند، دچار انحراف از حرکت انقلاب اسلامی خواهند شد.

«جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره مبارکه فرقان است: «به» یعنی به قرآن، «جِهْدُهُمْ بِهٖ» یعنی به وسیله قرآن با آنها جهاد کن! جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ میکند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر^۱»

^۱ مقام معظم رهبری، در سخنرانی سه روز بعد از این سخنرانی و در در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۶ به این نکته اشاره می‌کنند که اقرب به ذهن این است که ضمیر مستتر در آیه به « فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ » برگردد.

^۲ بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.

۹. نسبت حرکت جهادی با وضع امروز

۹-۱. نسبت حرکت جهادی با نقشه تمدنی انقلاب اسلامی

چنانکه پیداست، مقام معظم رهبری در حال پیش‌بری طرحی تمدنی است که درهم‌تنیده با تحول است و مابازای آن تحولی بزرگ را در جریان‌های انقلابی و اجتماعی حکمرانی نوین و نظم اجتماعی باید بتوان رقم زد. در این طرح تحولی، شکل‌گیری امت‌های پیشران اهمیت زیادی دارد و این امر نیازمند ایجاد منطق، رویکرد، ادبیات، روایت و شیوه‌های کنش‌گری جدیدی است که حول آن شبکه‌ای از کنشگران شکل گیرد؛ اساساً این طرح تمدنی، مبتنی بر شبکه‌سازی پیش می‌رود و از جمله امت‌های پیشران در این شبکه، گروه‌های جهادی هستند که باید در بستر آزادی، آگاهی و اراده تربیت شوند، اهل مسئولیت، تعهد و تکلیف باشند، نقش پیشرو داشته باشند و جامعه را با خود همراه کنند. در سال‌های اخیر، سؤالات بسیاری پیرامون حرکت جهادی در کشور شکل گرفت؛ این سؤالات همراه بود با گسترده شدن حرکت‌های جهادی در کشور و در ابعاد مختلف آن. پرسش‌هایی از این قبیل که آیا مسیر که توسط گروه‌های جهادی طی شده است، امروز به محرومیت‌زدایی انجامیده یا حتی به آن سمت‌وسو حرکت کرده است یا مسیر دیگری را طی کرده است و اساساً نسبت این مسیر طی شده و هویت در حال تعیین با نقشه تمدنی انقلاب اسلامی در مسیر پیشرفت و تحول چه بوده است؟ آیا مسیر گروه‌های جهادی با این مفاهیم نسبتی برقرار می‌کند یا اساساً بی‌نسبت و جدای از آن است؟ طبیعتاً اگر کسی قائل به انقلاب اسلامی باشد و مسیر تمدنی آن را مقدمه امر ظهور بداند، باید بتواند میان حرکت جهادی که در حال بزرگ شدن و گسترده شدن می‌باشد با مسیر تمدنی انقلاب نسبت برقرار کند. حرکت‌های جهادی چه نسبتی با مبانی انقلاب اسلامی دارند و باید داشته باشند؟ چگونه این حرکت می‌تواند چالش انقلاب اسلامی پیرامون خلق تحول را بر عهده گیرد و چرا تا کنون نتوانسته تحول چشم‌گیری را خلق کند؟ چرا بعد از گذشت ۴۰ سال، هنوز باید مقصد اول گروه‌های جهادی همانند اول انقلاب برای خدمت‌رسانی بشاگرد باشد؟ علی‌القاعده می‌بایست در این منطقه و در طول این چهل سال با ورود گروه‌های بسیار جهادی شاهد تحول‌های بزرگی در این منطقه باشیم اما چنین اتفاقی رقم نخورده است!

نمودار شماره ۱- نسبت حرکت جهادی با وضع امروز



۹-۲. نسبت حرکت جهادی با نظم و حکمرانی نوین

وضع امروز گروه‌های جهادی، قرار گرفتن در وضعیت یک حکمرانی نوین است؛ اگر انقلاب اسلامی روزی تمنا و آرزوی تغییر نظم حاکم بر دنیا داشت، اما امروز این تغییر وضعیت حکمرانی در جهان و ایجاد نظم جدید، امری قطعی و حتمی است که نشانه‌های آن روز به روز خود را نشان می‌دهند؛ به نحوی که امروز کمتر استراتژیست، راهبراندیش، متفکر و پژوهشگاه و اتاق فکری است که به پایان دوران^۱ Nation-State اشاره نکرده باشد. دولت - ملت، نظامی سیاسی - اجتماعی است که از حدود ۲۰۰ سال پیش در دنیا حاکم شده است که طی آن حاکمیتی تحت عنوان دولت متولی تمام امور مردم یک کشور است و این دولت با مردم مناسباتی دارد. این قاعده، چنان امری خلل‌ناپذیر و بدیهی توسط کشورهای غربی به سایر جوامع ارائه شد، که فکر کردن به حالت دیگری از حکمرانی برای ایشان امری غیرممکن جلوه نمود و تبدیل به نظم تثبیت شده‌ای در دنیا گردید. در نتیجه جوامع دیگر بدون آنکه به پدیده‌های اجتماعی که در برگرفته‌ی نحوی از نظم اجتماعی - سیاسی در معنای مدرن بودند عمیقاً فکر کرده باشند، آن‌ها را پذیرفتند. پدیده‌هایی همچون شهرسازی، معماری، بروکراسی، آموزش و پرورش و ... اما امروز بارقه‌ها و نشانه‌هایی از جریان نظم و حکمرانی جدید را می‌توان شاهد بود؛ به‌عنوان مثال، زمانی نه چندان دور، از مهم‌ترین بحث‌های شهرداری، مسائل مربوط به سازمان تاکسیرانی و چگونگی سامان دادن به جریان تاکسیرانی و خدمات آن در شهرها بود اما امروز با پیدایش نرم‌افزارهایی همچون اسنپ، تپسی و ... صحبت از سازمان تاکسیرانی، یک شوخی محض است. همین اتفاق، برای نظام آموزش و پرورش نیز قریب‌الوقوع و فروپاشی آن در حال تحقق است؛ به‌نحوی که امروز پس از طی دوران کرونا، می‌توان با آمدن پلتفرم‌های گوناگون آموزشی، از بین رفتن ساختارهای سنتی و مدرک‌گرایی آموزش و پرورش در کشور را نظاره کرد. امروز در ابعاد وسیع بین‌المللی نیز پدیده‌هایی که نشان‌دهنده‌ی نحوی از حکمرانی جدید در دنیا هستند، خود را نشان می‌دهند تا آنجا که باید منتظر پدید آمدن کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها جدید در دنیا بود. لذا این نظم در حال تغییر است و گروه‌های جهادی باید خود را در نسبت با آن بازتعریف کرده و جایگاه خود در این تغییرآفرینی‌ها را مشخص کنند. آن‌ها در راستای کدام نظم مسأله خدمت به محرومین را دنبال می‌کنند.

^۱ دولت - ملت: نوع خاصی از دولت ویژه جهان مدرن است که در آن یک دستگاه سیاسی در قلمروی ارضی معینی دارای حق حاکمیت است و می‌تواند این حق را با قدرت نظامی پشتیبانی کند. این ساختار مدرن «ساختار سیاسی دارای حق انحصاری اعمال اقتدار مشروع در سرزمینی مشخص» است. دولت - ملت، پدیده‌ای مدرن است که عقلانی شدن ساختارهای گوناگون اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آن را از ساختارهای سیاسی پیشین مانند امپراطوری‌ها و حکومت‌های قبیله‌ای متمایز می‌کند.

۳-۹. نسبت حرکت جهادی با جنگ روایت‌ها

زیست امروز جامعه ایرانی، به نحو فراگیری با مسأله جنگ شناختی و نزاع روایت‌ها در هم آمیخته شده است. مسأله جنگ شناختی برخلاف اهمیتی که در دنیا دارد، از مسائلی است که در ایران کم‌تر به آن پرداخته شده است. جنگ روایت‌ها در ذیل جنگ شناختی مطرح است. نزاع روایت‌ها از ابتدای انقلاب مطرح بوده است تا به امروز؛ به‌عنوان مثال، در جریان جنگ ۸ ساله، دو روایت از آن با یکدیگر به رقابت پرداختند؛ دو روایتی که با یکدیگر متنازع و بلکه متخاصم بودند؛ روایتی که این جنگ را مانند جنگ‌های مرسوم در سایر نقاط دنیا تصویر می‌کرد و مانند هر جنگ دیگری دارای کشته‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌هایی برای هر دو طرف بوده است. در مقابل روایتی است که جنگ ۸ ساله را به دفاع مقدس ایران و مقابله حق و باطل تعبیر می‌کند و فتح‌الفتوح این دفاع را تربیت انسان‌هایی می‌داند که بر شدائد و سختی‌ها غلبه کرده و به کمال رسیدند. این دو روایت از جنگ به میزانی اثربخش بودند که هر کدام امروز دارای سینماها و تولیدات متعدد سینمایی، رمان‌های بسیار و آثار متعدد از جنگ هستند و انقلاب اسلامی با غلبه روایت فتح بر روایت جنگ، توانست جریانی را ایجاد کند که از بطن آن جریان مستندهای روایت فتح، جریان راهیان نور، جریان خاطره‌نویسی حوزه هنری^۱ و ... سر برآوردند. امروز نیز انقلاب اسلامی در ساحات مختلف درگیر جنگ روایت‌هاست؛ هرآنجا که نزاع تمدنی با غرب وجود دارد، یک جنگ روایت‌ها نیز حول آن شکل گرفته است و بسیاری از موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... با مسأله جنگ روایت‌ها گره خورده است. امروز حرکت جهادی در کشور، نمی‌تواند بی‌نسبت با نزاع روایت‌ها باشد؛ چراکه حرکت‌های جهادی از مهم‌ترین پیشران‌های تحول در کشور در راستای طرح تمدنی انقلاب اسلامی هستند و باید جریان روایتی عظیمی حول حرکت جهاد شکل بگیرد و پیش از آنکه این جریان را روایت تحریفی کند، خود با روایت‌گری کمر همت به خلق جریان‌های عظیم اجتماعی و جهادگر ببندد. روایت‌ها از این حیث اهمیت دارند که می‌توانند عزم‌ها را جزم کنند، پیکره امت را به میدان بیاورند، جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی خلق کنند و تغییرات و تحولات بزرگ تاریخی را رقم می‌زنند.

^۱ از چهره‌های بارز در شکل‌گیری این جریان بزرگ روایتی می‌توان به افراد اثرگذاری همچون، شهید مرتضی آوینی در مجموعه روایت فتح، حاج‌حسین یکتا در مجموعه راهیان نور، مرتضی سرهنگی در حوزه هنری و ... اشاره کرد.

۱۰. بسترسازی انقلاب اسلامی برای کنش مردمی

حرکت جهادی محصول هدایت و راهبری رهبر انقلاب در برقراری تناسب میان نیازهای انقلاب اسلامی و ظرفیت و استعداد های مردمی (عمدتاً جوانان) است که بعد از گذشت بیش از سه دهه، به صورت و قالب حرکت جهادی بروز و تجلی اجتماعی یافته است. در واقع مقام معظم رهبری، طرحی را ذیل عنوان «حرکت جهادی» پیش برده‌اند که منبعث از منظومه اندیشه‌ای و بخشی از نقشه‌راه کلان ایشان برای راهبری انقلاب اسلامی است.

دال مرکزی در این طرح، «نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های مختلف» است. لذا درک اهمیت و جایگاه والای موضوع نقش مردم در اندیشه مقام معظم رهبری، مقدمه لازم برای فهم اهمیت و جایگاه حرکت‌های جهادی است و بر اساس این جایگاه والاست که موضوع اندیشه‌ورزی در باب این پدیده اجتماعی اهمیت می‌یابد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حرکت‌های مردمی، هندسه و تعریفی ویژه دارند، لذا برای فهم نقشه‌راه ایشان در حوزه حرکت‌های جهادی باید این تعریف و هندسه را فهمید و جایگاه مردم و حرکت مردمی و اسلوب و هندسه کارها و اقداماتی که توسط مردم و یا بواسطه مردم انجام می‌شود و یا باید انجام شود، با رجوع به منظومه اندیشه‌ای ایشان استخراج و بعنوان اصول فعالیت‌های مردمی تبیین و گفتمان‌سازی شود.

در حال حاضر تأملات با اهمیتی در این حوزه انجام شده است، لکن تعمیق و توسعه بنیادین حرکت‌های جهادی در راستای نقشه راه تمدن انقلاب اسلامی، نیازمند تأملات اجتهادی جدی‌تری می‌باشد و این مهم بر عهده‌نخبگان و مؤثرین حرکت‌های مردمی است. مبتنی بر داشته‌های موجود، برای طبقه‌بندی موضوعات اصلی در حرکت‌های جهادی می‌توان به دو رکن اساسی اشاره کرد: الف) رکن اندیشه‌ای و به تعبیری عقلانیت این حرکت، ب) رکن نیروی انسانی کنش‌گر در میدان. مقام معظم رهبری، طی این نقشه علاوه بر راهبری نرم‌افزار این حرکت - به معنای عقلانیت حرکت‌های جهادی گروه‌های مردمی -، افراد و نیروهای آن را نیز راهبری کرده است.

۱۱. الگوی راهبری حرکت‌های جهادی

۱-۱۱. بسط حرکت جهادی

حرکت‌های جهادی، همان الگوی نهادی است که انقلاب اسلامی را در مواجهه با مسائل و نیازها به راه‌حلی جامع برای نهادسازی رسانده است. الگویی که کارآمدی خود را در رفع چالش، عقب‌ماندگی، پاسخ به نیاز، جهش و پیشرفت به اثبات رسانیده است و همواره در قامت رقیب جدی الگوهای سازمانی مدعیان تکنوکراتی حاضر بوده است. بنابراین، حرکت جهادی، محصول مدیریت رهبر انقلاب در پاسخ سلبی و ایجابی به نیازهای کشور و نظام بوده است. حرکتی که بیش از ۴۰ سال، دارای تاریخی ثبت شده است و بیش از جغرافیای خاکی مرزهای ایران، حامی کنش‌گران جهادی در هر عرصه‌ای می‌باشد. این حرکت در طول این ۴۰ سال، آرام‌آرام خود را گسترش داده است و امروز به حدی از رشد و بلوغ رسیده است که می‌تواند سرعت این حرکت و گستره آن را افزایش دهد. این بسط حرکت‌های جهادی از دو جهت قابل تأمل است؛ الف) ورود به ساحت‌های مختلف؛ ب) همراه کردن توده‌های مردم با این حرکت.

«میدان جهاد، میدان خیلی وسیعی است؛ یعنی شاید ده برابر این مقداری که شما حالا پیش رفته‌اید، میتوانید پیش بروید؛ جهاد این جوری است. جهاد یعنی یک حرکت جوشیده‌ی از اعتقاد و باور قلبی و ایمان و به کارگیری توانایی‌ها؛ اگر چنانچه آن ایمان وجود دارد، آن باور قلبی وجود دارد، پس این کار حدّ نهایی ندارد؛ چون توانایی‌ها حدّ نهایی ندارند؛ توانایی‌های انسان واقعاً هیچ حدّی ندارد، اندازه ندارد. دل شما، روح شما، ذهن شما، مغز شما توانایی فوق‌العاده‌ای دارد؛ یعنی [مثل] این کارهایی که کرده‌اید ... در دنباله موضوع افزودن بر کمیت عاملین به فکر جهادی و جهادگران، این را عرض بکنم که باید این فکر را، این کار را، این حرکت را در محیط‌های خانوادگی، در محیط‌های دانشکده، در مدرسه، در محیط کار ترویج کنید که ان‌شاءالله دنبال کنند.»^۱

۲-۱۱. هدایت گفتمانی

«گفتمان‌سازی حرکت جهادی»، اصل راهبردی مدیریت رهبر انقلاب برای به ثمر رسیدن این توفیق بوده است و مهم آن است که ایشان راهبرد اصلی برای تحول این پدیده اجتماعی را همچنان گفتمان‌سازی تعریف کرده‌اند و به کرات توجه به این راهبرد را از متولیان امر در این حوزه مطالبه کرده‌اند. این هدایت گفتمانی امروز

^۱ بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی ۱۳۹۸/۰۵/۱۰.

در صورت و فرمی تحت عنوان گروه جهادی، نیروی جهادی، حرکت جهادی و ... تجلی یافته است. این صورت‌های جدید، مرام، سلوک و کارکردهای اجتماعی ویژه‌ای دارند که به دلیل رشد یافتن در فضای گفتمان عمومی جامعه و نه در خلأ گفتمانی سازماندهی مرسوم، در میان آحاد مردم (اعم از هواداران و یا مخالفان) شناخته شده هستند و به عبارت دقیق‌تر «تعیّن اجتماعی» دارند، به عبارت دیگر، ما در جامعه امروز با یک هویت تعریف شده مواجه هستیم، به نام نیروی جهادی و یا گروه جهادی و نیز یک الگوی حرکتی تعریف شده داریم به نام الگوی جهادی. برای آنکه این حرکت گسترش پیدا کند، باید بتواند گفتمان خود در جامعه را بسط دهد؛ این امر بدین معناست که نیروهای جهادی خود باید تبدیل به عنصر گفتمانی شوند و حرکت جهاد پیشرفت را در محیط‌های گوناگون جامعه که در آن حضور دارند از قبیل خانواده و دانشگاه تا محیط‌های عمومی تبلیغ و نشر دهند تا فکرها، اندیشه‌ها، عزم‌ها و عمل‌ها را با خود معطوف و این حرکت را تبدیل به یک جریان عمومی در جامعه کنند.

۱۲. پیشتازی و پیشرانی در جریان جهادی

آن چیزی که جریان جهادی را پیشتاز و آن را به عنوان الگوی جدید قسط معرفی می‌کند، نسبت برقرار کردن آن با مباحث جهاد کبیر و ادبیات توسعه و پیشرفت است. در این میان همیشه در هر جریانی یک عده‌ای پیشتاز هستند و امروز نیز باید به این مسأله اندیشید که چگونه میان فعال جهادی، عده‌ای باید نقش پیشتازی را ایفا کنند و پرچم این حرکت را بالا برده و پیش ببرند. کسانی که هم خودشان متحول شده‌اند و تحول را ابتدا از خویش شروع کرده‌اند و هم می‌توانند پای دیگران را ادبیات جهاد پیشرفت و منطق تحول به میدان باز کنند. پیشتازان جریان جهادی، کسانی هستند که مردم را به میدان جهاد پیشرفت می‌آورند. در به میدان آوردن مردم، چند قشر از اولویت برخوردار هستند؛ به نحوی که با به میدان آمدن آن‌ها، اقشار دیگر از مردم نیز به این دایره وسیع کنشگری ورود پیدا خواهند کرد. از مهم‌ترین این اقشار، نوجوانان و زنان هستند که می‌توانند پیشران اجتماعی جریان جهادی در کشور باشند. نوجوانان و به تعبیر روایی «احلاف» یکی از محورهای اصلی تحول هستند. بسیاری از تحولات بزرگ در موقعیتی رقم خورده‌اند که بیشترین مقاومت و بیشترین ایستایی نسبت به موضوع آن وجود داشته است اما با به میدان آمدن نوجوانان، این ایستایی در حدود ۴ یا ۵ سال شکسته شده است. به عنوان مثال، حرکتی که امام موسی صدر در لبنان و با تمرکز بر نوجوانان رقم زد و یا مثال‌های متعدد آن همچون

جریان عدالت و توسعه در ترکیه، جریان گرامین بانک و جریان اخوان المسلمین از این دست تحولات بوده است. یکی دیگر از این بدنه تحول، زنان هستند که متأسفانه غالباً در سازماندهی نیروها از این آن‌ها غفلت شده است و معمولاً نگاه خدماتی از قبیل خدمات پزشکی یا مباحث آموزشی و برگزاری کلاس‌ها و ... به آنها وجود دارد. اما باید دانست که یکی از کسانی که در جوامع قفل شده و به بن‌بست رسیده را می‌توانند راهگشا و افق‌گشا باشند و علاوه بر آن پیشتازی کنند، زنان هستند. تعبیر امام خمینی (ره) پیرامون نقش زنان در انقلاب اسلامی، این بود که «زنان رهبران نهضت هستند»^۱.

بنابراین، برای به میدان آوردن مردم نباید شبکه نوجوانان و شبکه تحول آفرین زنان را نادیده گرفت و با نگاه پیشرانی اجتماعی و شخصیت دادن و آگاهی دادن به آن‌ها و جمع‌سازی و جماعت‌سازی و ایجاد حرکت‌های اجتماعی در بین آنها پیش رفت که در جوامع بسیار دشوارتر از جامعه ایران نمونه‌های زیادی در ارتباط با آن وجود دارد.

۱۳. مطالبه رهبری و مردم از حرکت‌های جهادی

مسئله حرکت‌های جهادی را باید به دغدغه‌ها و مطالبات رهبری در جایگاه پیش‌بری تمدنی انقلاب اسلامی بازگرداند و طرح ایشان برای «جهاد پیشرفت» بازگرداند. در مسیر آسیب‌شناسی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، افزودن به عقلانیت، گفتمان کردن حرکت جهاد پیشرفت برای به میدان آمدن ظرفیت‌های انسانی و تکثیر آن اهمیت پیدا می‌کند. لذا این حرکت طولی (عقلانیت) و عرضی (تکثیر انسانی)، لازمه جهاد پیشرفت است و بدون این دو نمی‌توان سخن از مردمی شدن این حرکت جهادی زد.

«دوم اینکه ببینید، آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این

جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. [شما] در این مجموعه دوازده هزار [گروهی] که

^۱ در میان زنان قم، ساکنان محله چهار مردان نقش عمده‌تری در این تظاهرات‌ها داشتند و در واقع آنان، پیشرو زنان قم برای شرکت در انقلاب بودند. حضرت امام درباره پیشرو بودن زنان محله چهارمردان، در تاریخ پنجم اردیبهشت سال ۱۳۵۸، می‌فرمایند: «نام بزرگ ملت ایران در عالم به رشد سیاسی ثبت شد؛ نام بزرگ قم در بین ملت ایران به رشد سیاسی و فعالیت و جانفشانی در تاریخ ثبت شد، نام بزرگ چهارمردان در فداکاری و جان‌نثاری در تاریخ عالم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان ایران ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان قم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان چهارمردان ثبت شد؛ بانوان قم و بانوان چهارمردان پیشرو این نهضت اسلامی بودند، رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند، نهضت را راهنمایی کردند، شما رهبران نهضت هستید، بانوان رهبر نهضت ما هستند، ما دنباله آن‌ها هستیم، من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم.»

ایشان می‌گویند، ده درصد جوان‌های کشور، یا مثلاً پانزده درصد جوان‌های کشور هستید؛ آن ۹۰ درصد یا ۸۵ درصد دیگر چرا باید از این حرکت جهادی مبارک، از این کار محروم بمانند؟ سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود. ما در طول گذشته خودمان، در مسائل گوناگونی این را داشته‌ایم. شما می‌توانید با ترویج این گفتمان عده خودتان را افزایش بدهید؛ همچنان که کیفیت خودتان را زیاد می‌کنید، کمیت خودتان را هم می‌توانید افزایش بدهید.^۱»

این حرکت در وجه عقلانیت خود آمیخته است با مفاهیمی همچون «فهم صحیح مسائل مدیریتی، خدمت‌رسانی، ایجاد عدالت، قیام به قسط و ...» و در حرکت عرضی و تکثیر شدنش عبارت است از پیدا کردن «شکل مردمی و عمومی» ناظر به تمام عرصه‌های پیشرفت. لذا بحث حرکت‌های جهادی و بحث از آسیب‌شناسی این حرکت‌ها، در واقع ذیل طراحی صورت گرفته برای این حرکت توسط مقام معظم رهبری باید مطرح شود نه در صورت و ظاهر آن باقی بماند. بنابراین، مسئله امروز حرکت‌های جهادی هم ارتقای سطح معرفتی آن است و هم گسترده شدن آن. امروز حرکت جهادی در موقفی قرار گرفته است که افراد آن، خود را در یک جامعه مشترک می‌بینند و در پی اهداف مشترک هستند و با یکدیگر هم‌افزایی دارند و در راستای دوره‌ای جدید از حرکت جهادی گام برداشته‌اند. این نسل افق تمدنی انقلاب اسلامی را هدف گرفته و جغرافیا و عرصه حضور، تفاوتی در افق نگاه ایشان ایجاد نمی‌کند و در برهه‌هایی توانسته‌اند در مقیاس ملی، طلیعه‌هایی از الگوی مدیریتی جدید را به جامعه نشان دهند و این تجلیات اجتماعی، انتظارات از این حرکت را به صورت تصاعدی افزایش داده است. هم‌اکنون و به‌ویژه در سال‌های اخیر حضور نیروهای جهادی مورد مطالبه آحاد جامعه در موضوعات اساسی و مسائل کلان کشور است. لذا موقفی برای حرکت‌های جهادی فراهم آمده است که تبدیل شوند به حرکت مردمی همیشه حاضر میدان‌های مواجهه با مسائل و نه صرفاً رفع محرومیت و رفع بحران‌های طبیعی.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی ۱۳۹۸/۰۵/۱۰.